

درس 36

* در حالی که موسی در کوه سینا بود و با خدا صحبت می کرد، بنی اسرائیل در پایین کوه چه می کردند؟
- بنی اسرائیل از طلا گوساله ای درست کرده بودند و آن را می پرستیدند.

* آیا خدا می دانست که بنی اسرائیل گوساله طلایی را می پرستند؟
- بله .

* آیا خداوند بر بنی اسرائیل خشمگین بود؟
- بله .

- خدا آنقدر بر بنی اسرائیل خشمگین بود که می خواست آنها را نابود کند.

* چرا خدا همه بنی اسرائیل را نابود نکرد؟
- زیرا موسی از خدا خواست که آنها را نابود نکند.

* موسی وقتی به پایین کوه سینا رسید چه کرد؟
- موسی چنان بر بنی اسرائیل خشمگین شد که دو لوح سنگی از احکام خدا را انداخت و آنها را شکست.

* چون موسی دو لوح سنگی را که خداوند ده فرمان را بر روی آن

نوشته بود شکست، خداوند به موسی گفت که چه کار کند؟
- خداوند به موسی گفت که دو لوح جدید حک کند و آنها را به کوهی
که خداوند یک بار دیگر ده فرمان خود را در آنجا نوشته است، ببر.

* اگر بنی اسرائیل خیمه را دقیقاً همانطور که خدا به آنها گفته بود
نمی ساختند، آیا جلال خدا وارد خیمه می شد؟
- خیر .

* آیا بنی اسرائیل می توانستند از راه خودشان به خدا نزدیک شوند؟
- خیر .

* بنی اسرائیل تنها راهی که توانستند به خدا نزدیک شوند چه بود؟
- راه خدا.

* چگونه می توانیم راه خدا را بشناسیم؟
- از طریق کتاب خدا، کتاب مقدس.
- خدا موسی را برگزید تا بنی اسرائیل را از مصر و از اسارت
خارج کند.
- موسی نیز فرستاده خدا بود.
- وقتی خدا می خواست با بنی اسرائیل صحبت کند، با موسی صحبت
می کرد که با بنی اسرائیل صحبت می کرد.
- خدا موسی را راهنمایی کرد تا به بنی اسرائیل آنچه را که خدا می

خواهد بگوید.

- خداوند موسی را نیز راهنمایی کرد تا آنچه را که خدا خواسته است بنویسد.

- موسی بود که پنج کتاب اول کتاب خدا، انجیل را نوشت.

* موسی از کجا می دانست که چه بنویسد؟

- خداوند موسی را راهنمایی کرد تا آنچه را که خدا خواسته بود بنویسد.

- بنی اسرائیل مصر را ترک کرده بودند و در صحرا در حال سفر بودند.

* هنگامی که بنی اسرائیل در حال سفر در صحرا بودند، چگونه راه را می دانستند؟
- خدا هدایتشان کرد.

بیابید خروج 36:40-38 را بخوانیم :

36- هرگاه که ابر از بالای خیمه برمی‌خاست، بنی اسرائیل به راه خود ادامه می‌دادند و آن را تعقیب می‌کردند .

37- اگر ابر حرکت نمی‌کرد، مردم هم حرکت نمی‌کردند.

38- در تمامی دوران آوارگی، قوم در طول روز ابر خداوند را بالای خیمه، و در طول شب آن را به صورت شعله آتش مشاهده می‌کردند.

- وقتی خدا می خواست بنی اسرائیل متوقف شوند، خداوند ابر را متوقف می کرد.

- وقتی خدا می خواست بنی اسرائیل بروند، خدا ابر را بر می داشت .
- پس از اینکه خدا ده فرمان خود را به بنی اسرائیل داد و پس از آنکه بنی اسرائیل خیمه را برای خدا ساختند، خدا ابر را برافراشت.

* خدا بنی اسرائیل را به کجا می برد؟

- خدا بنی اسرائیل را به کنعان هدایت می کرد، سرزمینی که به جدشان ابراهیم وعده داده بود.

- بنی اسرائیل ابر را دنبال کردند و خدا آنها را به مرز کنعان هدایت کرد.

* وقتی بنی اسرائیل به مرز کنعان رسیدند، خدا به موسی گفت که چه کار کند؟

بیابید اعداد 13: 1-2 را بخوانیم :

1- خداوند به موسی گفت:

2- از هر طایفه، یک رهبر برای جاسوسی به سرزمین کنعان که به آنها بخشیده‌ام، بفرست.

- خداوند به موسی گفت که از هر دوازده قبیله یک نفر را انتخاب کند تا برود و زمین را کاوش کند.

- موسی از خدا اطاعت کرد و دوازده مرد را برای کاوش در سرزمین کنعان فرستاد.

بیابید اعداد 3:13 را بخوانیم :

3- پس موسی به فرمان خداوند آنها را از صحرای فاران بیرون فرستاد. همه آنها رهبران بنی اسرائیل بودند.

* قبل از اینکه موسی دوازده مرد را برای کاوش در سرزمین کنعان بفرستد، به آنها چه گفت؟

بیابید اعداد 13: 17-21 را بخوانیم :

17- هنگامی که موسی آنها را فرستاد، به ایشان دستور داد که از اینجا به طرف شمال، یعنی به جنوب سرزمین کنعان و سپس به قسمت کوهپایه بروید .

18- و وضع آنجا را بررسی کنید که آنجا چطور سرزمینی است، چقدر جمعیت دارد و چقدر قوی هستند.

19- زمین آنها حاصلخیز است، یا خیر؟ مردم آنجا در شهرهای بی حصار زندگی می کنند و یا در شهرهای مستحکم؟

20- خاک زمین حاصلخیز است، یا بایر؟ آنجا درختان زیاد دارد، یا نه؟ شجاع باشید و سعی کنید که از میوه و محصول آنجا مقداری را برای نمونه، با خود بیاورید. (آن موقع فصل نوبر انگور بود.)

21- پس آنها رفتند و وضع زمین را از بیابان سین تا رحوب در نزدیکی گذرگاه حمات، بررسی نمودند.

- در پایان چهل روز، دوازده مرد از کاوش در سرزمین کنعان بازگشتند.

- این همان چیزی است که دوازده نفر درباره سرزمین کنعان به موسی و بنی اسرائیل گفتند.

بیابید اعداد 13:27-29 را بخوانیم :

27- آنها به موسی گفتند: به سرزمینی که ما را فرستادید، رفتیم و آن را بررسی کردیم. آنجا یک سرزمین غنی و حاصلخیز است. اینها میوه‌های آنجاست که برای نمونه با خود آوردیم.

28- اما ساکنان آنجا مردم نیرومندی هستند و در شهرهای بزرگ و مستحکم زندگی می‌کنند. همچنین فرزندان عناق غول پیکر را هم در آنجا دیدیم.

29- مردم عمالیق در جنوب زندگی می‌کنند؛ حِثّیان، یبوسیان و اموریان در مناطق کوهستانی و کنعانیان در سواحل دریای مدیترانه و رود اردن زندگی می‌کنند.

- سرزمین کنعان سرزمین شیر و عسل بود.

- همچنین سرزمینی پر از مردمان بزرگ و قدرتمند بود.

- شهرهای کنعان نیز مستحکم بودند و دیوارهای بلند اطراف شهرها را احاطه کرده بودند.

- از دوازده مردی که برای کاوش در سرزمین کنعان رفتند، ده نفر از آنها به خدا ایمان نداشتند.

* آن ده مردی که به خدا ایمان نداشتند به بنی اسرائیل چه گفتند؟

بیابید اعداد 13:31-33 را بخوانیم :

31- آنگاه مردانی که با او به آنجا رفته بودند گفتند: ما نمی‌توانیم با آن مردم مقابله کنیم، زیرا آنها قویتر از ما هستند.

32- آنها درباره سرزمینی که تجسس کرده بودند، گزارش بدی به قوم اسرائیل دادند. آنها گفتند: سرزمینی را که ما برای جاسوسی به آنجا رفتیم، ساکنان سرزمین خود را می‌بلعد. مردمی را که در آنجا دیدیم همه قوی‌هیكل بودند.

33- ما در آنجا عناقی‌ها را دیدیم، آنها آنقدر قوی و بلند قامت هستند که ما در مقابل آنها خود را کوچک مثل ملخ احساس می‌کردیم و آنها نیز در مورد ما همینطور فکر می‌کردند.

* چرا آن ده مردی که به خدا ایمان نداشتند نخواستند وارد کنعان شوند؟

- ده مرد از مردم بزرگ و قدرتمند ساکن کنعان می‌ترسیدند.

- آن ده نفر باور نداشتند که خدا آنقدر قدرتمند است که مردم کنعان را شکست دهد.

- آن ده نفر به وعده خدا مبنی بر دادن سرزمین کنعان به بنی اسرائیل اعتقاد نداشتند.

- آن ده مرد به بنی اسرائیل گفتند که نباید وارد کنعان شوند.

- از دوازده مرد، دو مرد بودند که به خدا ایمان آوردند.

- نام آنها کالیب و یوشع بود.

* کالیب و یوشع به بنی اسرائیل چه گفتند؟

بیابید اعداد 30:13 را بخوانیم :

30- کالیب مردم را در حضور موسی ساکت کرد و گفت: فوراً برویم

و آنجا را تصرف کنیم، چون یقین داریم که بر آنها پیروز می‌شویم.

* چرا کالیب و یوشع می‌خواستند وارد کنعان شوند؟

-کالیب و یوشع از مردم بزرگ و قدرتمند ساکن کنعان نمی‌ترسیدند.

-کالیب و یوشع معتقد بودند که خدا به اندازه کافی قدرتمند است که مردم کنعان را شکست دهد.

-کالیب و یوشع به وعده خدا مبنی بر دادن سرزمین کنعان به بنی اسرائیل ایمان آوردند.

-کالیب و یوشع به بنی اسرائیل گفتند که باید از خدا اطاعت کنند و وارد کنعان شوند.

* آیا بنی اسرائیل به ده مردی که به خدا ایمان نداشتند گوش دادند یا به

کالیب و یوشع که به خدا ایمان داشتند گوش دادند؟

بیابید اعداد 14: 1-4 را بخوانیم :

1- مردم تمام شب با آواز بلند گریستند

۲- و از موسی و هارون شکایت کرده گفتند: ای کاش در مصر می‌مردیم، یا در همین بیابان از بین می‌رفتیم.

3- خداوند ما را به این سرزمین آورد تا ما را با شمشیر دشمن به قتل برساند و زنان و فرزندان ما اسیر شوند، پس بهتر است که به مصر بازگردیم.

4- به یکدیگر گفتند: بیابید که برای خود رهبری انتخاب کنیم تا ما را به مصر بازگرداند.

- بنی اسرائیل به ده مردی که به خدا ایمان نداشتند و نمی‌خواستند

وارد سرزمین کنعان شوند گوش دادند.
-کالیب و یوشع یک بار دیگر با بنی اسرائیل صحبت کردند.

بیابید اعداد 14: 6-9 را بخوانیم :

6- یوشع، پسر نون و کالیب، پسر یفنه، جزء آنانی بودند که برای بررسی به سرزمین کنعان رفته بودند، جامه خود را پاره کردند .

7- و به مردم اسرائیل گفتند: ما سرزمین کنعان را بررسی کردیم. آنجا سرزمین بسیار حاصلخیزی است.

8- اگر خداوند از ما خشنود باشد، ما را به آنجا می‌برد و آن سرزمین غنی و حاصلخیز را به ما می‌دهد.

9- پس شما نباید علیه خداوند شورش کنید و از مردم کنعان بترسید، زیرا شکست دادن آنها برای ما، مثل آب خوردن آسان است. آنها پشت و پناهی ندارند، اما خداوند همراه ماست. از ایشان نترسید!

-کالیب و یوشع از بنی اسرائیل التماس کردند که از خدا نافرمانی نکنند.

-کالیب و یوشع به بنی اسرائیل گفتند که خدا به اندازه کافی قدرتمند است که مردم کنعان را شکست دهد.

* آیا بنی اسرائیل با ورود به سرزمین کنعان موافقت کردند؟

بیابید اعداد 10:14 را بخوانیم :

10- اما تمام مجلس درباره سنگسار آنها صحبت کردند.

- بنی اسرائیل هنوز نمی خواستند وارد کنعان شوند.

- بنی اسرائیل هنوز نمی خواستند از خدا اطاعت کنند.

- بنی اسرائیل می خواستند کالیب، یوشع و موسی را سنگسار کنند.

* آیا خدا شنید که بنی اسرائیل چه می گفتند؟

- بله .

* آیا خدا می دانست که بنی اسرائیل نمی خواستند وارد کنعان شوند؟

- بله .

* آیا خدا می دانست که بنی اسرائیل باور نداشتند که او به اندازه کافی

قدرتمند است که مردم کنعان را شکست دهد؟

- بله .

* آیا خدا می دانست که بنی اسرائیل به وعده او مبنی بر دادن کنعان

به آنها ایمان نیاوردند؟

- بله .

- بنی اسرائیل باور نداشتند که خدا به وعده خود مبنی بر دادن کنعان

به آنها عمل کند.

* اگر پیام خدا را باور نکنیم، خدا را چه می نامیم؟

- دروغگو.

- بنی اسرائیل پیام خدا را باور نکردند.

- بنی اسرائیل خدا را دروغگو می خواندند.

- خداوند گفت:

بیابید اعداد 14:26-32 را بخوانیم :

26- خداوند به موسی و هارون گفت:

27- تا به کی این مردم شریر از من شکایت می کنند؟ من بارها شکایت این قوم را شنیده ام.

28- به آنها بگو: خداوند به حیات خود قسم می خورد که همان بلا را که از آن می ترسیدند بر سرتان می آورم. من خداوند سخن گفته ام .

29- اجسادتان در این بیابان پوسیده می شوند. از تمام اشخاص بیست ساله و بالاتر یک نفر هم زنده نمی ماند، چرا که از من شکایت کردید.

30- به گیراز کالیب، پسر یفنه و یوشع پسر نون، هیچ کدام ایشان به آن سرزمینی که به شما وعده دادم، قدم نمی گذارد.

31- همچنین کودکان شما را که گفتید، اسیر ساکنان آن سر زمین می شوند، به سلامتی به آن جایی که شما آن را رد کردید، می رسانم.

32- اما جنازه های شما در این بیابان می افتند.

* چون بنی اسرائیل از ایمان آوردن به خدا امتناع کردند، چه کسی به تنهایی وارد کنعان خواهد شد؟

- فقط کالیب، یوشع و بنی اسرائیل.

* چون بنی اسرائیل از ایمان آوردن به خدا امتناع کردند، خدا چگونه آنها را مجازات کرد؟
- آنها وارد کنعان نمی شوند.
- همه در بیابان خواهند مرد.
- خداوند همیشه کسانی را که از ایمان به او سر باز می زنند با مرگ مجازات خواهد کرد.

- مردم روزگار نوح از ایمان به خدا امتناع کردند و خداوند آنها را به مرگ مجازات کرد.

- مردم سدوم و گومورا از ایمان به خدا امتناع کردند و خداوند آنها را مجازات کرد.

- فرعون و مصریان از ایمان به خدا امتناع ورزیدند و خداوند آنها را به مرگ مجازات کرد.

- خداوند کسانی را که از ایمان به او سر باز می زنند در دریاچه آتش ابدی مجازات خواهد کرد.